

دراسة وجوب زكاة الفطرة عن ضيف ليلة عيد الفطر في المذاهب الفقهية

مرتضى مصلح^١، عابدين مؤمنى^٢، محسن فغانى^٣

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٨/٠٣؛ تاريخ القبول: ١٤٠٤/١١/٢٠ هـ.ش]

الملخص

تُعَدُّ زكاة الفطرة من الفرائض المالية والضروريات الشرعية في الإسلام، وتحظى بمكانة خاصة في الفقه الإمامي والفقه السنّي. تهدف الدراسة الراهنة، بمقاربة الفقه المقارن، إلى معالجة مسألة وجوب زكاة الفطرة عن ضيف ليلة عيد الفطر، وهي من المسائل التي، وإن اتفق الفقهاء فيها على وجوب زكاة الفطرة عن العيال ومن تجب نفقتهم، إلا أنهم اختلفوا في مسؤولية إخراجها عن الضيف، وفي مدى تعبدية الحكم أو ابتنائها على التعليل، وكذلك في أثر القيد الزمني للضيافة في ثبوت الحكم. وقد استند فقه الإمامية في القول بوجوب زكاة الفطرة على المضيف، إلى أدلة، منها: الإجماع، وطريق الاحتياط، والروايات العامة، والرواية الخاصة المروية عن الحسن بن محبوب. تُظهر دراسة هذه الأدلة أنّ الإجماعات مدركية، فلا تتمتع بحجّة مستقلة، كما أنّ طريق الاحتياط غير جائز، لوجود أمانة تقليدية وعدم انطباق مورده على محل النزاع. إضافة إلى ذلك، فإنّ عمومات الروايات التي تنصّ على أنّ المدار هو كون الشخص من العيال أو ممن يعوّله المكلف، تعدّ الضيف من العيال، كما أنّ رواية خاصة صحيحة السند تنصّ بصراحة على أنّ الضيف يُعدّ من أفراد العيال. كما تكشف دراسة آراء فقهاء الإمامية، عبر المراحل الثلاث للفقه الإمامي، عن وجود اتجاهين رئيسيين: أحدهما يعدّ الضيف عنواناً مستقلاً، والآخر يدرجه ضمن عنوان العيال. في المقابل، لا ترى المذاهب السنية الأربعة وجوب زكاة الفطرة عن الضيف، وتقتصرها على من تجب نفقتهم. كما تدلّ الأدلة على أنّ هذا الحكم تعبدية، وأنّ الأقوال القائلة بتقييده بمدة زمنية معينة للضيافة تفتقر إلى الدليل. وبناءً على ذلك، تؤكّد نتائج الدراسة على ضرورة الرجوع إلى العرف في تعيين مصاديق هذا الحكم.

الكلمات المفتاحية: ضيف ليلة عيد الفطر، زكاة الفطرة، فقه أهل السنة، الفقه الإمامي، الفقه المقارن

١. طالب الدكتوراه في الفقه والقانون، جامعة طهران، طهران، إيران (الكاتب المسؤول)

mortezamosleh1373@gmail.com

٢. أستاذ في الفقه والقانون، جامعة طهران، طهران، إيران abedinmomeni@ut.ac.ir

٣. حاصل على شهادة المستوى الثالث، الحوزة العلمية، قم، إيران mohsenfaghanipv@gmail.com

بررسی وجوب زکات فطره میهمان شب عید فطر در مذاهب فقهی اسلامی

مرتضی مصلح^۱، عابدین مومنی^۲، محسن فغانی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰]

چکیده

زکات فطره یکی از فرایض مالی و ضروری در اسلام است که جایگاه ویژه‌ای در فقه امامیه و اهل سنت دارد. این پژوهش با رویکرد فقه مقارن به بررسی مسئله زکات فطره میهمان شب عید فطر پرداخته است؛ موضوعی که گرچه در وجوب پرداخت زکات فطره افراد واجب النفقه و نان خور اتفاق نظر وجود دارد، اما در خصوص مسئولیت پرداخت زکات فطره میهمان، ماهیت تعبدی و تعقلی حکم و محدودیت زمانی آن، اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود. منابع فقه امامیه ادله‌ای نظیر اجماع، طریق احتیاط، روایات عموم و روایت خاص حسن بن محبوب را برای وجوب پرداخت زکات فطره بر میزبان ارائه کرده‌اند. بررسی این ادله نشان می‌دهد که اجماع‌ها مدرکی است و حجیت مستقلی ندارند؛ همچنین طریق احتیاط نیز به دلیل وجود اماره نقلی و تناسب نداشتن مجرای آن در مسئله نقض می‌شود. افزون بر این، عموم روایات که بیان‌کننده ملاک وجوب عیال و نان خور بودن است، میهمان را نیز داخل در عیال می‌کند، بلکه روایت خاصی که با سند صحیح آمده است، به صراحت میهمان را مصداق عیال می‌شناسد. بررسی آرای فقیهان امامیه در سه دوره فقهی نشان‌دهنده وجود دو دیدگاه عمده است؛ برخی میهمان را عنوانی مستقل در نظر گرفته‌اند و برخی دیگر آن را در زمره عیال محسوب می‌کنند. در مقابل، مذاهب چهارگانه اهل سنت زکات فطره میهمان را واجب نمی‌دانند و آن را صرفاً محدود به افراد واجب النفقه می‌دانند. همچنین بر اساس مفاد ادله، حکم آن تعبدی است و اقوال مبتنی بر محدودیت زمانی میهمانی، بدون دلیل هستند. بر این اساس، یافته‌های پژوهش بر ضرورت رجوع به عرف برای تعیین مصداق حکم تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: میهمان شب عید فطر، زکات فطره، فقه اهل سنت، فقه امامیه، فقه مقارن.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

morteza.mosleh1373@gmail.com

۲. استاد گروه فقه و حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران abedinnomoni@ut.ac.ir

۳. دانش آموخته سطح سه، حوزه علمیه قم، قم، ایران mohsenfaghanipv@gmail.com

مقدمه

اسلام به مثابه مکتبی جامع و فراگیر،^۱ و بخشی از منظومه تشریعی خود را به مسائل مالی و ابعاد اقتصادی حیات بشر اختصاص داده است. شماری از احکام شریعت با لحاظ ساختارهای اجتماعی و در نظر داشتن وضعیت افراد برخوردار و غیربرخوردار و نیز در پرتو ملاحظات مربوط به نیازها و هزینه‌کردهای حکومتی و اجتماعی، تکالیفی را بر عهده‌توانمندان قرار داده است. یکی از برجسته‌ترین این فرایض مالی، زکات فطره است؛ فریضه‌ای که در زمره فروع دین و از ضروریات آشکار شریعت به شمار می‌رود.

ماده «زکو» در آیات قرآن، در دو معنای اصلی به کار رفته است: «نمو و فزونی»^۳ (طریحی نجفی، ۱۳۷۵ ه. ش، ج ۱، ص ۲۰۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ ه. ش، ج ۱، ص ۲۵۴) و «اصلاح و طهارت»^۴ (طریحی نجفی، ۱۳۷۵ ه. ش، ج ۱، ص ۲۰۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ ه. ش، ج ۱، ص ۲۵۴). اما در هیچ یک از آیات قرآن به تفصیل احکام مربوط به زکات فطره و شرایط آن تصریح نشده است.^۵

فقه اسلامی اعم از فقه امامیه و فقه اهل سنت، زکات را به دو بخش «مالی» و «بدنی» تقسیم کرده‌اند؛ آنچه در این پژوهش مورد نظر است، بخش دوم یعنی «زکات فطره» است. یکی از پرسش‌های مهم، تعیین مکلف به پرداخت زکات فطره و مخاطبان آن است. با آنکه این مسئله به فروع متعدد منقسم می‌شود، تمرکز این تحقیق بر حکم «میهمان» در شب عید فطر است؛ از این رو مباحثی چون شرایط تکلیف میزبان یا احکام مربوط به فطریه نان خورها و واجب النفقه‌ها از دایره بحث خارج‌اند.

مفهوم «میهمان» در عرف رایج، اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد: گاه با دعوت و اطلاع قبلی است و گاه بدون آن؛ در برخی موارد میهمان از غذای میزبان بهره‌مند می‌شود و در مواردی دیگر، خود خوراک خویش را به همراه می‌آورد. همچنین میهمانی ممکن است گذرا و کوتاه‌مدت باشد یا شکل اقامت چندروزه یا بلندمدت به خود گیرد. پرسش محور

بحث حاضر این است که در هر یک از این فروض - اگر به شب اول شوال اتصال یابند - مسئولیت پرداخت زکات فطره میهمان متوجه چه کسی است و مستحق دریافت آن کیست؟ همچنین آیا توانگری یا فقر میهمان در حکم تأثیرگذار است؟ آیا وجوب فطره در این مورد، تعبدی است یا تابع ملاکات عقلانی است؟ و در نهایت آیا می توان محدوده ای زمانی برای عنوان «ضیف» مشخص نمود تا بتوان بر اساس آن، احکام خاص این عنوان را مترتب کرد؟

این پژوهش با هدف شناخت دکترین فقهی اسلام برای حکم «زکات فطره میهمان» در پی دستیابی به حکم و ملاک این حکم شرعی است. تحقیق حاضر بر پایه فقه مقارن سامان یافته است؛ چراکه دو مکتب فقهی امامیه و اهل سنت با پیش فرض ها، روش شناسی ها و ساختارهای معرفتی متفاوت، هر یک مسیری مستقل در فهم و تفسیر نصوص و استنباط احکام پیموده اند. این تمایز منجر به ظهور نظام های اجتهادی متمایزی شده است که مطالعه تطبیقی آنها افزون بر ارتقای فهم تحلیلی از مبانی استدلالی هر مذهب، به مثابه ضرورتی علمی در مطالعات فقهی روزگار ما شناخته می شود.

شایان ذکر است که مطابق با پیشینه موجود، پژوهشی مستقل درباره این موضوع انجام نگرفته است؛ از این رو مقاله حاضر در غیاب سابقه قابل استناد، با تکیه بر روش کتابخانه ای و تحلیل منابع اصیل فقهی، می کوشد از این رهگذر پاسخی مستند و روشمند به این مسئله ارائه دهد.

۱. زکات فطره میهمان در منابع و آرای مذاهب اسلامی

در بررسی فتاوی فقیهان فریقین، وجوب زکات فطره برای افراد واجب النفقه در شب عید مورد اتفاق است؛ اما درباره شمول این حکم به میهمان، دیدگاه های متفاوتی در مذاهب

اسلامی وجود دارد. در این بخش، به اجمال به بررسی آرای مختلف فقیهان امامیه و اهل سنت می پردازیم تا تفاوت ها و وجوه اشتراک در این مسئله روشن گردد.

۱-۱. زکات فطره میهمان در منابع و آرای امامیه

۱-۱-۱. آرای فقیهان متقدم

بر اساس آرای فقیهان متقدم در موضوع وجوب زکات فطره میهمان، ایشان را می توان در دو گروه کلی دسته بندی کرد:

نخست: فقیهانی که بحث وجوب زکات فطره میهمان در آثار و فتاوی ایشان عنوان نشده است (سَلَّار دیلمی، ۱۴۰۴هـ، ص ۱۳۴؛ عُمَّانی، ۱۴۰۶هـ، ص ۶۹؛ اسکافی، ۱۴۱۶هـ، ص ۱۰۰؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶هـ، ص ۲۰۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۸هـ، ج ۲، ص ۲۰۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۵هـ، ص ۲۱۰). بدین ترتیب فقط به حکم وجوب زکات فطره عیال بسنده کرده اند.

دوم: فقیهانی که ضمن طرح بحث وجوب زکات فطره میهمان در آثار خود، آن را بر میزبان واجب دانسته اند. در میان این دسته نیز اختلاف نظرهایی دیده می شود؛ ازاین رو برخی مانند شیخ طوسی در کتاب المبسوط، وجوب زکات فطره میهمان را بر اساس صدق عنوان «عیال» برای میهمان استوار می دانند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷هـ، ش، ج ۱، ص ۲۳۹). از سوی دیگر، شیخ در دیگر کتب فقهی خود و برخی فقیهان با وجود تصدیق عنوان عیال برای میهمان، وجوب زکات فطره را مشروط به حضور میهمان در طول ماه مبارک رمضان می دانند؛ از جمله می توان به ابن حمزه در الوسيلة (ابن حمزه، ۱۴۰۸هـ، ص ۱۳۰)، سید مرتضی در الانتصار (علم الهدی، ۱۴۱۵هـ، ص ۲۲۸) و نیز شیخ طوسی در الخلاف و النهایة (شیخ طوسی، ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۱۳۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰هـ، ص ۱۸۹) اشاره کرد. افزون بر این، شیخ مفید نیز صدق عنوان عیال را علت وجوب زکات فطره میهمان بر میزبان

می‌داند، به شرط آنکه میهمان یا تمام ماه رمضان یا دست‌کم نیمه دوم آن را در منزل میزبان اقامت داشته باشد تا صدق عیال محقق گردد (مفید، ۱۴۱۰هـ، ص ۲۶۵).

۱-۲-۱. آرای فقیهان متأخر

در میان بیشتر فقیهان متأخر از جمله شهیدین و علامه حلی، میهمان به مثابه عنوانی مستقل برای وجوب زکات فطره شناخته شده است؛ به گونه‌ای که برای تحقق این وجوب، نیازی به صدق عنوان کلی «عیال» بر میهمان نیست، بلکه صدق «میهمان بودن» او در شب عید فطر کافی است تا زکات فطره میهمان بر عهده میزبان قرار گیرد (علامه حلی، ۱۴۱۴هـ، ج ۵، ص ۳۸۰؛ شهید اول، ۱۴۳۰هـ، ج ۱، ص ۱۹۸؛ شهید ثانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۳۲؛ حلی، ۱۴۰۵هـ، ص ۱۳۹؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷هـ، ص ۱۲۷؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶هـ، ج ۱، ص ۱۷۴؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰هـ، ج ۱، ص ۴۶۶). با این حال، محقق حلی در آثار خود حکم صریحی درباره وجوب زکات فطره میهمان ذکر نکرده است (محقق حلی، ۱۳۷۶هـ، ج ۱، ص ۶۱). همچنین به نظر می‌رسد فخرالمحققین و مقدس اردبیلی، وجوب زکات فطره را مبتنی بر منزلت «عیال» بودن میهمان در برابر میزبان دانسته‌اند و همین سبب وجوب را مورد نظر قرار داده‌اند (فخرالمحققین، ۱۳۷۰هـ، ج ۱، ص ۵۹؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۶۴هـ، ج ۴، ص ۲۴۴). طرفه آنکه علامه حلی در مختلف الشیعه، میهمان را از جمله افراد تحت تکفل و نان‌خوران میزبان برمی‌شمرد و بر این اساس، پرداخت زکات فطره برای او را واجب دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص ۲۸۰).

۱-۳-۱. آرای فقیهان معاصر

از میان معاصران، نظر مشهور این است که عنوان ضیافت و میهمان بودن به تنهایی

عنوانی مستقل برای وجوب اخراج زکات فطره محسوب نمی شود، بلکه شرط اصلی وجوب زکات فطره میهمان، صدق عنوان «عیال» و نان خور بودن او در برابر میزبان است (یزدی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۳۵۵)؛ یعنی اگر عرف، میهمان را نان خور میزبان تلقی کند، زکات فطره میهمان بر میزبان واجب خواهد بود.

سید ابوالحسن اصفهانی و امام خمینی نیز همین نظر را پذیرفته اند و وجوب اخراج زکات فطره را مشروط و معلق به صدق عیال بودن میهمان می دانند (اصفهانی، ۱۳۹۳ هـ، ج ۱، ص ۳۰۲؛ خمینی، ۱۳۹۲ هـ، ش، ج ۱، ص ۳۶۴).

علامه بروجردی نیز در توضیح المسائل خود از تعبیر نان خور استفاده می کند و می فرماید: «فطره میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحب خانه وارد شده و نان خور او به شمار می آید، بر میزبان واجب است» (بروجردی، ۱۴۲۲ هـ، ص ۴۰۰).

علامه خویی نیز در حاشیه خود بر عروه، پس از بحثی مفصل، چنین اظهار نظر می کند: «اظهار آن است که ضیافت عنوان مستقلاً نیست و اگر میهمان صرفاً عنوان میهمان را داشته باشد (یعنی مجرد از عیال باشد و صدق آن نکند)، [اخراج] فطره میهمان واجب نخواهد بود. [بنابراین،] وجوب فطره میهمان در صورتی است که عیال یا به تعبیری نان خور به حساب درآید... (و به دنبال می آورد که) این قول اقوی است» (خویی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲۴، ص ۳۹۵).

۱-۱-۴. جمع بندی آرای امامیه

با توجه به آرای اعصار سه گانه فقیهان، می توان مواجهه ایشان را در دو دسته کلی جای داد: دسته نخست: فقیهانی که اساساً در آثار خود متعرض حکم زکات فطره میهمان نشده اند و فقط به تبیین حکم عیال بسنده کرده اند. از این سکوت و اکتفا می توان چنین استظهار کرد که ایشان زکات فطره میهمان را واجب نمی دانند.

دسته دوم: فقیهانی که به صراحت به بحث از فطره میهمان پرداخته‌اند. این دسته خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که میهمان را عنوانی مستقل تلقی کرده‌اند و وجوب اخراج فطره را به طور مطلق درباره او ثابت می‌دانند، بدون آنکه تحقق عنوان عیال را شرط بدانند؛ در مقابل، گروه دوم - که نظر غالب نیز هست - وجوب فطره را منوط به صدق عنوان عیال و نان خوردن می‌دانند؛ در نتیجه میهمان را تنها در صورتی مشمول حکم می‌دانند که عرفاً در شمار عیال میزبان به حساب آید.

۲-۱. زکات فطره میهمان در منابع و آرای اهل سنت

زکات فطره میهمان در آرای فقهی ائمه اهل سنت واجب نیست و ذمه میزبان از آن مبری است. شیخ طوسی در الخلاف تصریح می‌کند: «جميع فقیهان اهل سنت با زکات فطره میزبان مخالفت دارند» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۱۳۳). سید مرتضی در الانتصار^۶ می‌فرماید: «از منفردات و اختصاصات امامیه، همین قول به وجوب زکات فطره برای میهمان است» (علم الهدی، ۱۴۱۵هـ، ص ۲۲۸). با مراجعه به منابع فقهی اهل سنت می‌توان درستی این دو ادعا را دریافت. بررسی آثار مذاهب فقهی ایشان نشان می‌دهد که در مباحث مربوط به احکام زکات فطره، روایتی درباره زکات فطره میهمان مطرح نشده است؛ همچنین تحلیل متون فقهی آنان نشان می‌دهد مذاهب اربعه جماعت، ذمه میزبان را از اخراج زکات فطره میهمان مشغول نمی‌دانند. بر این اساس، مستندات این مدعا در آثار مکاتب چهارگانه اهل سنت به شرح ذیل ارائه می‌شود.

مکتب حنابل: فقیهان حنبلی تصریح دارند که مکلف موظف است زکات فطره خود و تمامی کسانی را که نفقه آنان بر عهده اوست، پرداخت کند (ابن قدامة، ۱۴۱۴هـ، ج ۱، ص ۴۱۳؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴هـ، ج ۴، ص ۲۱۶؛ ابن قدامة مقدسی، ۱۴۱۵هـ، ج ۷، ص ۹۰). ابن مفلح

به اختصار درباره حکم زکات فطره میهمان بیان می‌کند که حکم ضیف (میهمان) مانند حکم اجیر است و اخراج زکات فطره برای وی واجب نیست (ابن مفلح، ۱۴۲۴هـ، ج ۴، ص ۲۱۷). بر اساس دیدگاه خرقی در مختصر الخرقی، زکات فطره تنها بر فرد و عیالش واجب است و اشاره‌ای به میهمان در کلمات او وجود ندارد (خرقی، ۱۴۱۳هـ، ص ۴۷). این نظر مشابه با دیدگاه‌های اسحاق بن راهویه و احمد بن حنبل در کتاب مسائل، مسئله ۶۴۷ و ۶۶۶ است که تأکید دارند زکات فطره فقط شامل واجب النفقه می‌شود و اثری از شمولیت میهمان (ضیف) در این حکم به نظر نمی‌رسد (کوسج، ۱۴۲۵هـ، ج ۳، ص ۱۱۵۲ - ۱۱۳۴). همچنین در مسائل امام احمد به روایت ابی داود سجستانی، تصریح شده که زکات فطره مختص عیال است و بازنمودی از تسری میهمان و ضیف در آن موجود نیست (ابی داود سجستانی، ۱۴۲۰هـ، ص ۱۲۵). در متن التسهیل فی فقه الامام احمد - از آثار معاصر فقه حنبلی - نیز آمده که فطره مبتنی بر نفقه است. همچنین فطره کسی که به تبرع هزینه زندگی شخص را می‌پردازد، مثل کسی که یتیمی را کفیل باشد، اخراج فطره هم بر عهده متبرع است؛ البته در ادامه بحث می‌کند چنانچه شخصی به تبرع هزینه زندگی دیگری را در بعض از رمضان بپردازد، باعث وجوب فطره بر متبرع نمی‌شود (وزارة الاوقاف الكويتیه، ۱۴۴۵هـ، ج ۱، ص ۲۹۸ - ۲۹۹).

مکتب حنفی: شیبانی در الحجة علی اهل المدينة به نقل از ابوحنیفه وجوب زکات فطره را محدود به شخص، اولاد صغار و عبد غیرتجاری می‌داند و پرداخت فطره دیگران - حتی زوجه - را لازم نمی‌داند؛ از این رو زکات فطره میهمان نزد ابوحنیفه مطرح نبوده است (شیبانی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱، ص ۵۲۶ - ۵۲۷). مطابق نظر دسته‌ای، وجوب فطره مبتنی بر ثبوت ولایت است و صرف تأمین نفقه موجب وجوب آن نمی‌شود؛ بنابراین اخراج فطره زوجه واجب نیست (سرخسی، ۱۴۱۴هـ، ج ۳، ص ۱۰۱ - ۱۰۵؛ سمرقندی، ۱۴۰۵هـ، ج ۱، ص ۳۳۴ -

۳۳۷). قدوری نیز در شرح مختصر کرخی، ثبوت ولایت را ملاک وجوب می‌داند؛ در نتیجه زکات فطره زوجه را بر زوج واجب نمی‌داند و سخنی از میهمان نیز به میان نیاورده است (محمد بغدادی حنفی، ۱۴۴۳هـ، ج ۲، ص ۲۸۲). همچنین زمخشری در خلاف که در آن به اختلاف‌های میان مکتب حنفی و شافعی می‌پردازد، به واجب نبودن فطره زوجه در میان حنفیان تصریح دارد، اما از میهمان صحبتی نداشته است (زمخشری، ۱۴۰۷هـ، ص ۲۱۹). السمنقانی و حلبی نیز تأکید می‌کنند که وجوب فطره منوط بر ولایت همراه با مؤونه است؛ اما میهمان در میان مصادیق پنج‌گانه وجوب فطره ذکر نشده است (السمنقانی الحنفی، ۱۴۴۱هـ، ص ۹۵۴؛ حلبی، [بی‌تا]، ص ۱۷۲).

بنابراین با تمسک به قیاس اولویت می‌توان استنباط کرد که از دیدگاه فقیهان حنفی، تکلیفی الزام‌آور برای پرداخت زکات فطره میهمان وجود ندارد؛ زیرا همان‌گونه که زکات فطره زوجه به سبب فقدان ولایت واجب شمرده نشده است، به طریق اولی زکات فطره میهمانی که هیچ‌گونه ولایتی از سوی میزبان به او ثابت نیست، واجب نخواهد بود.

مکتب شافعی: شافعیان وجوب پرداخت زکات فطره را بر عهده شخص مکلف و افراد واجب‌النفقة او می‌دانند؛ اما اثری از ذکر میهمان در کلمات ایشان نیست (شیرازی، ۱۴۰۳هـ، ص ۶۰؛ نووی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۱۰۵؛ غزالی طوسی، ۱۴۱۷هـ، ج ۲، ص ۴۹۸؛ ابن‌ارسلان شافعی، [بی‌تا]، ص ۱۴۶؛ قلیوبی و برلسی عمیره، ۱۴۱۵هـ، ج ۲، ص ۴۲).

بر اساس نظر ماوردی به نقل از شافعی، ملاک وجوب زکات فطره، واجب‌النفقة بودن فرد است و نقلی از میهمان در آن نیامده است (ماوردی، ۱۴۱۹هـ، ج ۳، ص ۳۵۲). ابوالحسین شافعی نیز تأکید می‌کند که زکات فطره تابع نفقه است؛ از این رو عناوینی چون میهمان که نفقه‌شان واجب نیست، اخراج زکات فطره ایشان بر صاحبخانه واجب نیست (ابوالحسین شافعی، ۱۴۲۱هـ، ج ۳، ص ۳۵۲).

مکتب مالکیه: مالکیان نیز وجوب زکات فطره را برای شخص مکلف و کسانی که نفقه آنان بر عهده اوست قائل اند (مالک بن انس، ۱۴۰۶هـ، ج ۱، ص ۲۸۳؛ ابن نصر ثعلبی بغدادی مالکی، ۱۴۲۵هـ، ج ۱، ص ۶۷؛ ابن حاجب، ۱۴۲۱هـ، ص ۱۶۸؛ ابن جزی کلبی، ۱۴۲۷هـ، ص ۷۵؛ مواق المالکی، ۱۴۱۶هـ، ج ۳، ص ۲۶۳؛ مؤمن الجزایری، ۱۴۳۹هـ، ج ۲، ص ۷۳۱). همچنین در شروح معتبر بر کتاب موطأ، رأیی درباره اخراج زکات فطره برای میهمان ذکر نشده است (سیوطی، ۱۳۸۹هـ، ج ۱، ص ۲۱۰؛ زرقانی، ۱۴۲۴هـ، ج ۲، ص ۲۱۴).

۱-۲-۱. جمع بندی آرای اهل سنت

با نگرش آرای مذاهب اربعه، روشن می شود که اساساً بحث مستقلی درباره زکات فطره میهمان در میان ایشان مطرح نبوده است و ادله ای نیز در این باره ارائه نکرده اند، تا چه رسد به استنباط حکم ویژه برای آن. تنها در یکی از کتب فقهی مذهب حنابله، آن هم گذرا و محدود به این موضوع اشاره شده است که این مورد را می توان مصداق قاعده عرفی «النادر کالمعدوم» دانست و از حیث اعتبار هیچ شمرد. بر این اساس، می توان ادعا کرد که هیچ یک از این مذاهب به موضوع ضیافت و میهمان به مثابه عنوانی مستقل نپرداخته اند و صرفاً به ذکر حکم واجب النفقه و مصادیق آن بسنده کرده اند.

۲. ادله وجوب زکات فطره میهمان در آرای مذاهب اسلامی

از میان آیات قرآن اشاره ای در این باره نیامده است؛ همچنین در ادله و روایات اهل جماعت، شاهی در این رابطه مشاهده نمی شود. با این حال با فحص در منابع امامیه، به دست می آید که فقیهان امامیه با تمسک به دلایل و ادله مختلفی بر وجوب زکات فطره میهمان حکم داده اند. در ادامه به ذکر دلایل و تفسیرهای موجود از هر یک اشاره می کنیم.

۲-۱. دلیل اول: اجماع

اجماع در آثار فقیهان به دو صورت کلی عنوان شده است:

اول: «اجماع متردد» که سید مرتضی در کتاب الانتصاریان داشته‌اند و معقد و بنای

اجماع را طول شهر رمضان دانسته است (علم الهدی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۲۸).

دوم: اجماعاتی که در دیگر کتاب‌ها ذکر شده است و عبارت است از:

اجماع ذکر شده در الخلاف شیخ طوسی که معقد اجماع را طول شهر رمضان می‌داند

(شیخ طوسی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۱۳۳). مورد بعدی، اجماعی است که علامه حلی در

تذکره الفقهاء ذکر کرده است. ایشان معقد اجماع را وسیع می‌داند و اطلاق ضیف در شب

عید فطر را مطلقاً سبب وجوب زکات دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۵، ص ۳۸۰).

همچنین اجماعی که مقدس اردبیلی در مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان از

کتاب منتهی المطلب فی تحقیق المذهب نقل کرده است و آنجا اجماع منقول را دلیلی

مستقل می‌انگارد (مقدس اردبیلی، ۱۳۶۴ هـ، ش، ج ۴، ص ۲۴۳).

۲-۲. دلیل دوم: طریقه احتیاط

شیخ در الخلاف و در مسئله میهمان طول شهر رمضان دو دلیل اقامه می‌کنند؛ دلیل

اجماع (که در مورد قبل گذشت) و دیگری طریقه احتیاط (طوسی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۱۳۳).

۲-۳. دلیل سوم: عموم روایات مربوط به وجوب زکات فطره

شیخ مفید به روایات عامه در این باب استناد می‌کند و می‌فرماید: «از آن رو که اگر ضیف

و میهمان یک ماه یا نیم از ماه را در خانه میزبان باشد، مانند عیال به حساب آمده، فطره او

بر میزبان واجب است» (مفید، ۱۴۱۰ هـ، ص ۲۶۵).

مقدس اردبیلی نیز به روایات عامه در مسئله زکات فطره استناد می‌کند و می‌فرماید: «از آن روی که میهمان مانند عیال به حساب می‌آید، وجوب بر پرداخت زکات فطره او صدق می‌کند» (مقدس اردبیلی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۴، ص ۲۴۳).

۴-۲. دلیل چهارم: روایت خاص در باب زکات فطره میهمان

«بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مِنْ إِخْوَانِهِ فَيَحْضُرُ يَوْمَ الْفِطْرِ؛ يُؤَدِّي عَنْهُ الْفِطْرَةَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. الْفِطْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَنْ يَعُولُ: مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ حُرٍّ أَوْ مَمْلُوكٍ» (کلینی، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۶۶۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۹، ص ۳۲۷).

۳. نقد و بررسی ادله وجوب زکات فطره میهمان

در این بخش به نقد و بررسی ادله چهارگانه فقیهان بر وجوب زکات فطره میهمان پرداخته شده است.

۳-۱. نقد دلیل اول: اجماع

همان طور که بیان شد، اجماع به چهار صورت در این مسئله مطرح می‌شود:

نخست: «اجماع متردد»

اولین مورد اجماع، اجماع متردد است که سید مرتضی مطرح کرده و مورد استناد قرار گرفته است. بنابراین اولاً باید اعتبار اجماع وی را بررسیید و پس از آن به تحلیل و نظر نهایی دست یابیم.

با تأمل در آثار فقهی سید مرتضی به ویژه دو اثر شاخص وی یعنی الإلتصار والناصریات که با رویکرد فقه مقارن نگاشته شده است، می توان دریافت که ایشان در موارد متعددی از مفهوم «اجماع متردد» سخن به میان می آورد و در پاره ای از فتاوی خود، این نوع اجماع را مستند فقهی مورد استناد قرار داده است. در برخی موارد، اجماع متردد نقش دلیل اصلی را ایفا می کند و گاه نیز به مثابه مؤیدی در کنار سایر ادله ذکر می شود.

نمونه هایی از این رویکرد را می توان در مسائلی چون تقدم دست راست بر دست چپ در وضو مشاهده کرد (علم الهدی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۱۰۱) یا در بحث از ترتیب در غسل که وی بار دیگر به اجماع متردد تمسک می جوید (علم الهدی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۱۲۰). در مسئله تشهد اول نماز نیز اجماع متردد به مثابه دلیل از سوی وی مطرح می گردد (علم الهدی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۱۵۱)؛ همچنین در مسئله عدم لزوم ذکر مهریه در عقد نکاح و اینکه خالی بودن عقد از مهر موجب بطلان آن نمی شود، سید مرتضی اجماع متردد را در زمره دلایل خود می آورد (علم الهدی، ۱۴۱۷ هـ، ص ۳۳۶). اما در معنای این اجماع آورده شده است: «اجماع متردد، اجماعی است که بر زبان و در کلام فقها مطرح و مکرر است».^۷

طرفه آنکه سید مرتضی قائل به اجماع دخولی است (علم الهدی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۱، ص ۱۱)؛ از این رو هرگاه سید از عنوان اجماع متردد استفاده می کند، لابد اجماع دخولی منظور ایشان خواهد بود.

حال این استفهام مطرح است که چرا سید مرتضی روایت صحیح السندی که به صراحت به حکم زکات فطره می پردازد، مستند قرار نداده است، بلکه تنها دلیل خود را اجماع متردد قرار داده است؟ از ظاهر عبارات سید مرتضی استفاده می شود که وی عمل به خبر واحد را از آنجا که ظنی است، مجاز نمی داند و عدم عمل امامیه به چنین خبری را اجماعی می داند (علم الهدی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۱، ص ۲۰۲). بنابراین اجماع متردد ۸ که معتمد فقها بوده را مستند خویش آورده است و حکم به وجوب زکات فطره میهمان داده است.

نقدی بر کلام سید مرتضی: از آنچه بررسی شد به نظر می‌رسد که سید مرتضی در اجتهاد خود به خطا رفته است؛ چراکه با وجود روایتی در این باره، اجماع مدرکی است و حجیتی ندارد. از سوی شیخ طوسی معاصر سید مرتضی، دلیل خود بر وجوب زکات فطره میهمان را اجماع امامیه می‌داند، بدون آنکه «متردد» بودن را صفت اجماع قرار دهد.

نتیجه: اجماع متردد که سید مرتضی ادعا می‌کند با وجود روایت صحیح‌السند، اجماعی مدرکی است، حجیتی ندارد و تنها می‌توان به مثابه مؤید بدان تمسک جست. همچنین اجماعی که سید به عنوان دلیل خود می‌آورد، اخص از مدعاست؛ زیرا روایت دلالت دارد بر اینکه میهمان در شب عید فطر نزد صاحبخانه حاضر باشد؛ خواه این حضور از اول یا اثنای ماه رمضان باشد یا در همان شب این باشد؛ در حالی که اجماع قائل است به اینکه میهمان در طول شهر رمضان عیال صاحبخانه بوده باشد تا زکات فطره او بر میزبان واجب شود.

دوم: «اجماع در بیان دیگر فقیهان امامیه»

دومین صورت اجماع در این مسئله، اجماع محصل است که شیخ طوسی در الخلاف مطرح می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۱۳۳)؛ اما این اجماع نیز مقبول ما نیست و یقیناً آور از قول معصوم (ع) نیست، پس حجیتی نیز نخواهد داشت؛ چراکه این نوع از اجماع تنها برای خود مجتهد حجیت دارد؛ به عبارتی «المحصل لایحصل».

سومین صورت اجماع را علامه حلی مطرح کرده است. استظهار از عبارات ایشان نشان می‌دهد که منظور ایشان از اجماع، همان اجماع محصل باشد (علامه حلی، ۱۴۱۴هـ، ج ۵، ص ۳۸۰). بنابراین این اجماع نیز برای ما حجیت ندارد و همان اشکال سابق را داراست. چهارمین صورت اجماع، اجماع منقول است که مقدس اردبیلی عنوان می‌کند (مقدس اردبیلی، ۱۳۶۴هـ.ش، ج ۴، ص ۲۴۳). این اجماع نیز برای ما حجیت ندارد و از اعتبار ساقط است.

نتیجۀ نقد اول

ضمن ثابت بودن اشکال‌های هریک از اجماع‌های چهارگانه‌ای که ذیل هریک گذشت، می‌توان در نقدی کلی بر این اجماعات عنوان داشت که تمامی این موارد از قبیل اجماع مدرکی است و بر ما حجت نخواهند بود.

۳-۲. نقد دلیل دوم: طریقه احتیاط

دلیل دوم، «طریقه احتیاط» است که شیخ طوسی در الخلاف به آن اشاره می‌کند. کاربرد واژه «احتیاط» به این ترتیب (یعنی طریقه احتیاط) معمول و مرسوم نبوده است و ایشان در هیچ‌یک از کتب خود توضیح مستقیمی درباره این اصطلاح ارائه نکرده‌اند؛ اما ظاهر کلام شیخ دلالت دارد بر اینکه منظور از «طریقه احتیاط»، همان «احتیاط» در اصول عملیه است. در نقد و بررسی این دلیل، دو اشکال مهم طرح شدنی است:

اشکال نخست: تا زمانی که اماراتی همچون روایات عامه و خاصه در این باب موجود باشد، رجوع به اصول عملیه و استفاده از طریقه احتیاط بی‌وجه است؛ چراکه موضوع امارات، وارد بر اصول علمیه است؛ در نتیجه رجوع به احتیاط وجهی ندارد.

اشکال دوم: حتی در فرض فقدان امارات نقلی در این مسئله، مجرای آن اصل براءت است؛ چراکه در اصل تکلیف «وجوب زکات فطره میهمان» تشکیک شده است، نه آنکه وجوبی ثابت باشد، بعد حکم به احتیاط کرد.

۳-۳. نقد دلیل سوم: عموم روایات مربوط به وجوب زکات فطره

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، برخی از فقیهان امامیه به عموم روایات مربوط به زکات فطره تمسک جسته‌اند و «ضیف» رانه به عنوان اصلی «عیال»، بلکه به مانند عیال دانسته‌اند و

برآن حمل کرده‌اند؛ ولی این نظر با توجه به توضیحاتی که در ادامه خواهد آمد، قابل نقد و بررسی دقیق‌تری است.

عرف امروز واژه «عیال» را عمدتاً به معنای «خانواده» به کار می‌برد؛ درحالی‌که بررسی مجموع روایات عام در خصوص زکات فطره (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ، ج ۹، ص ۳۲۹ - ۳۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷هـ، ج ۱، ص ۸۴) که به ذکر افراد «عیال» پرداخته‌اند و نیز مطالعه معنای لغوی «عول» در کتب زبان‌شناسی، نشان می‌دهد که کاربرد رایج امروزی واژه «عیال» بیشتر بر اساس «غلبه وجود» شکل گرفته است (ازهری، ۱۴۲۱هـ، ج ۳، ص ۱۲۴؛ جوهری، ۱۳۷۶هـ، ج ۵، ص ۱۷۷؛ طریحی نجفی، ۱۳۷۵هـ.ش، ج ۵، ص ۴۳۲)؛ زیرا در معنای اصیل لغوی و ظاهر روایات، «عیال» به طور کلی به هر «نان‌خور» اطلاق می‌شود و تعیین اینکه چه کسی نان‌خور محسوب می‌شود، بر عهده عرف گذاشته شده است.

دلیل رجوع به عرف برای تعیین مصادیق «عیال» این است که ظاهر کلمات معصومان (ع) در مقام بیان معنای شرعی کلی نبوده است؛ بنابراین از آنجاکه بیان شرعی در این باره وجود ندارد، تشخیص مصادیق «عیال» به عرف واگذار شده است.

۳-۴. نقد دلیل چهارم: روایت خاص در باب زکات فطره میهمان

سلسله‌راویان این سند از نظر اعتبار و وثاقت، به طور کامل مورد اعتماد و ثقه قرار گرفته‌اند (مامقانی، ۱۴۳۱هـ، ج ۳۲، ص ۱۶۶ و ج ۲۳، ص ۲۸۲). همچنین منظور از «عمر بن یزید» در این روایت، همان «بیاع السابری» است (خویی، [بی‌تا]، ج ۱۴، ص ۶۱ - ۶۲).

فقیهان در تبیین این حدیث درباره اینکه آیا «میهمان» عنوانی مستقل و قسیم «عیال» باشد که فطره به او تعلق می‌گیرد یا «میهمان» مانند عیال و نان‌خور به حساب می‌آید، اختلاف نظر دارند. برخی مانند شهید ثانی و صاحب جواهر با استناد به پاسخ حضرت

(ع) با کلمه «نعم»، انگاشته‌اند «میهمان» عنوانی مستقل و تام است و عبارت پس از آن، جمله‌ای مستقل از عبارت پیشین به شمار می‌آید (شهید ثانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۳۲؛ نجفی، [بی‌تا]، ج ۱۵، ص ۴۹۶ - ۴۹۷). بر این اساس هر یک از این دو عنوان یعنی «میهمان» و «عیلوله» موضوعی مستقل برای وجوب پرداخت زکات فطره محسوب می‌شوند و هیچ‌کدام تابع دیگری نیستند.

اما برخی دیگر این دیدگاه را نپذیرفته‌اند و معتقدند «عیال» شامل میهمان نیز می‌شود و عیال عنوان مستقلی در کنار میهمان نیست و چنین برداشتی را مخالف ظاهر حدیث و قواعد ادبی می‌دانند (خویی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲۴، ص ۳۹۴ - ۳۹۵). گویی به نظر ایشان، تعبیر حضرت (ع) از «عیال»، کنایی است و هر کسی که در شب عید فطر نان خور می‌زبان باشد، در حکم عیال محسوب می‌شود و فطریه او بر عهده می‌زبان است. مضمون کلام ایشان چنین است: «پاسخ امام به "نعم" و ادامه عبارت، حکمی کلی و کبرای فقهی را تشکیل می‌دهد که مصادیق آن به دنبالش بیان شده است؛ بنابراین میهمان بودن به عنوان یک عنوان خاص موضوعیت ندارد، بلکه وجوب زکات فطره میهمان، ناشی از آن است که میهمان در عداد کسانی است که تحت تکفل می‌زبان قرار دارد؛ مانند اینکه جزئی از افراد خانواده می‌زبان محسوب می‌شود و هزینه زندگی و معاش او بر عهده می‌زبان است» (خویی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲۴، ص ۳۹۴ - ۳۹۵).

علامه خویی در عبارت دیگری نیز بیان می‌دارد: «در هر صورت، صحت این سند (روایت) مورد تردید نیست و حداقل از طریق شیخ صحیح‌السند است. بنابراین منظور از حکم مذکور در روایت، این است که وجوب پرداخت زکات فطره میهمان، هنگامی که شرایط آن محقق شود، بر عهده کسی است که میهمان او را عیال خود می‌شمارد؛ صرف نظر

از اینکه آن شخص چه کسی باشد. و همانا منظور از «عیلوله»، کسی است که مایحتاج و معاش او به هر عنوان توسط فردی تأمین می‌شود و همین تأمین هزینه، ملاک و معیار وجوب پرداخت زکات فطره اوست. و این مسئله موضوعی است که هیچ اختلافی درباره آن وجود ندارد؛ چراکه نص و فتوا بر آن منطبق است» (خویی، ۱۴۱۸هـ، ج ۲۴، ص ۳۹۱).

نظر محققان مقاله: با توجه به مجموع دیدگاه‌ها، به نظر می‌رسد نظریه علامه خویی به صواب نزدیک‌تر باشد. آنچه شهید ثانی و دیگران بیان کرده‌اند، توجیه‌پذیر نیست و با اشکال‌های مختلفی روبروست؛ زیرا چنانچه قول گروه نخست پذیرفته شود، معصوم (ع) بلافاصله پس از پاسخ «نعم»، به موضوعی دیگر می‌پردازد که ربطی به سائل ندارد و پاسخ از سؤال مقدر نیز نیست. به بیان دیگر، اگر میهمان عنوانی مستقل داشت و جزء عیال محسوب نمی‌شد، امام (ع) نیازی به توضیح و تبیین پاسخ خود و طرح آن نداشتند و صرفاً به همان «نعم» بسنده می‌کردند.

بنابراین به سبب قرینه مناسبت حکم و موضوع، قرینه منصوص العله و اصاله الظهور درمی‌یابیم که «ضیف و میهمان» عنوان مستقلی نیست، بلکه چون در شمار عیال به حساب آمده است، امام وجوب فطره آن را پذیرفته‌اند. بنابراین عنوان اصلی همان عیال است و عنوان جدیدی در این مسئله مطرح نیست.

با وجود این، نکته قابل توجه آن است که فقیهان قدما و متأخر در آثار خود توجهی به این روایت صحیح‌السند نکرده‌اند و تنها از میان معاصران، علامه خویی به آن پرداخته است. بنابراین اگرچه این روایت صحیح‌السند است، با اشکالی مواجه است؛ زیرا این موضوع از سوی اصحاب به عنوان دلیل مطرح نشده و در اصطلاح معرض عنه ایشان قرار گرفته است.

۳-۵. نتیجه‌گیری از بررسی ادله فقیهان

با توجه به نقایص و کاستی‌های موجود در ادله‌ای که مطرح شده، تنها دلیل منسجم و کم‌اشکال، روایت خاصه در باب زکات فطره مهمان است؛ روایتی که هرچند مورد اعراض اصحاب قرار گرفته و به عنوان دلیل ایشان بیان نشده، اما از حیث سند، صحیح ارزیابی می‌شود.

بر این اساس می‌توان گفت که محور اصلی استدلال در این مسئله، همان روایت خاصه است و سایر ادله صرفاً مؤید هستند و نمی‌توانند مستقل در مقام استدلال قرار گیرند. مطابق این روایت، وجوب زکات فطره بر میهمان به مثابه یک حکم شرعی اثبات می‌شود، مشروط بر آنکه میهمان در عرف جزء عیال صاحبخانه و در شمار نان‌خور او محسوب گردد.

طرفه آنکه از طریق بهره‌گیری از قاعده «تراکم ظنون» و جمع‌بندی مجموع ادله - که گرچه همه قطعی نیستند - می‌توان به ظنی قوی و مستدل برای اصل وجوب زکات فطره میهمان دست یافت و آن را به اثبات رساند.

در جمع‌بندی با استناد به ظاهر ادله‌ای که وجوب زکات فطره بر عیال و افراد تحت تکفل مکلف را بیان می‌کنند و نیز با اتکا به فهم عرفی در شناسایی مصادیق این عناوین، می‌توان میهمان شب عید فطر را در حکم عیال دانست. به همین نسبت، عقل نیز بر وجوب زکات فطره بر چنین میهمانی حکم می‌نماید؛ از این رو حکم به وجوب فطره برای میهمان، حکمی تعبدی است که شناسایی مصداق آن یعنی نان‌خور بودن، بر عهده عرف نهاده شده است. همچنین تعیین زمانی مشخص به مثابه شرط تحقق این عنوان، فاقد دلیل معتبر شرعی است و پشتوانه‌ای ندارد.

از سوی دیگر، مشهور امامیه توانگری و استطاعت میزبان را در اخراج زکات فطره شرط می‌دانند. بر این اساس اگر فردی از نظر دارایی به حد نصاب شرعی نرسیده باشد و مال کافی برای تأمین معیشت خویش نداشته باشد، پرداخت زکات فطره بر او واجب نخواهد بود (علامه حلی، ۱۴۱۳هـ، ج ۳، ص ۲۶۶ - ۲۶۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰هـ، ص ۱۹۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶هـ، ج ۱، ص ۱۷۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳هـ، ص ۲۴۸ - ۲۴۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۵هـ، ص ۲۱۲؛ حلبی، ۱۴۰۳هـ، ص ۱۶۹)؛ همچنین بنا بر قیاس اولویت، پرداخت زکات فطره میهمان بر چنین میزبانی واجب نیست. علامه حلی نیز کتاب مختلف الشیعه به بیان دقیق‌تر، وضعیت اقتصادی میهمان به عنوان ملاکی در صدور حکم وی لحاظ شده و نقشی تعیین‌کننده دارد.

۴. بررسی یک تعارض

مطابق آنچه پیش‌تر ذکر شد، تضادی آشکار میان اجماع فقیهان و روایت موجود مشاهده می‌شود. اجماعی که برخی از فقیهان بر آن اتفاق نظر یافته‌اند، با قیدی همراه است که اقامت میهمان در طول ماه رمضان در منزل میزبان را ضروری می‌داند؛ در حالی که روایت فقط به مفهوم میهمان بودن اشاره دارد و درباره مدت زمان اقامت میهمان اعم از اینکه اقامت محدود به یک شب باشد یا ادامه‌دار، ابهام دارد و هیچ بیان صریحی ارائه نمی‌دهد. در ادامه به تحلیل اجماع و روایت خواهیم پرداخت تا روشن کنیم این فتاوی فقها بر چه پایه و اصولی استوار گردیده‌اند؛ آیا منشأ آنها صرفاً عرف متداول است یا مبتنی بر قواعد ادبی و اصول فقهی است؟ در پایان نیز دیدگاه خویش را درباره این تفسیرهای روایی به گونه‌ای مستدل بیان خواهیم کرد.

۴-۱. تحلیل اجماع

اجماع دلیلی لبی است و با وجود آنکه این دلیل مورد تردید قرار گرفته است، می‌توان به قدر متیقن از آن بسنده کرد و آن حصه مشخص از اجماع (قدر متیقن)، واجد حجیت شرعی است. افزون بر این از طریق اجماع می‌توان به کشف و استنباط از سنت و کلام معصوم (ع) دست یافت. در ادامه به دو تحلیل دربارهٔ مستند اجماع می‌پردازیم.

تحلیل نخست: کسانی که ادعای اجماع کرده‌اند، هیچ مستند و دلیلی برای قید زمانی ارائه نداده‌اند؛ درحالی‌که ذکر قید زمانی بدون دلیل معتبر، امری بی‌اساس و باطل است و نمی‌توان به چنین ادعای اجماعی اعتماد کرد یا بر اساس آن حکم صادر نمود. بنابراین در مواجهه با تعارض میان اجماع و روایت، از آنجاکه اجماع بدون پشتوانه و دلیل مستند است، روایت ملاک و مرجع قرار می‌گیرد.

علامه خویی به برخی اقوال فقیهان اشاره می‌کند که وجوب زکات فطره میهمان را مشروط به تحقق در زمان مشخصی دانسته‌اند و در ادامه ادعای ایشان را باطل می‌داند (خویی، ۱۴۱۸هـ، ج ۲۴، ص ۳۹۳ - ۳۹۴).

تحلیل دوم: اگر کسی اجماع را بپذیرد، با توجه به روش سید مرتضی و شیخ طوسی که معتقدند اجماع به هر ترتیب، قطع به نظر امام معصوم (ع) است؛ در این صورت میان قطع (کشف قول امام از اجماع) و ظن (روایت) تعارض پدید می‌آید. بدین ترتیب تعارضی میان قطع و ظن حاصل شده و روایت که مبتنی بر ظن است، کنار گذاشته می‌شود؛ ولی این احتمال به شدت ضعیف و به نظر دور از صحت می‌رسد و نمی‌توان آن را پذیرفتنی دانست؛ زیرا همان‌گونه که پیش‌تر در نقد دلیل نخست پیرامون وجوب زکات فطره میهمان توضیح داده شد، تمامی اجماعاتی که فقیهان در این باره ذکر کرده‌اند، اجماع مدرکی است و برای ما از حجیت لازم برخوردار نیستند.

۴-۲. تحلیل روایت

در بررسی نظرات فقیهانی که به موضوع روایت به عنوان دلیل شرعی پرداخته‌اند، دو تحلیل مشاهده می‌شود:

تحلیل نخست: با توجه به متن روایت، پاسخ امام (ع) با کلمه «نعم»، تصدیقی صریح و کامل به پرسش سائل است و آنچه پس از «نعم» بیان شده است، جمله‌ای مستأنفه محسوب می‌شود؛ بنابراین میهمان عنوانی مستقل و جدا از عیال به شمار می‌آید. برخی از فقیهان از جمله شهید ثانی و صاحب جواهر با این دیدگاه هم‌راستا هستند و میهمان را عنوانی مستقل در وجوب زکات فطره دانسته‌اند (شهید ثانی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۳۲؛ نجفی، [بی‌تا]، ج ۱۵، ص ۴۹۶ - ۴۹۷).

علامه خویی دیدگاه محقق حلی را که در کتاب المعتبر مطرح کرده است، در دسته قائلان به تحلیل نخست جای می‌دهد (خویی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲۴، ص ۳۹۴) که این برداشت قابل مناقشه است؛ زیرا استظهار محققان این مقاله از تعبیرات محقق حلی چنین است که وی «ضیف» را نان‌خور و کسی تعریف می‌کند که تحت تکفل میزبان قرار دارد. این برداشت از متن محقق حلی کاملاً روشن و بی‌ابهام است و جای تردید در مقصود مؤلف باقی نمی‌گذارد. اما به نظر می‌رسد علت اصلی اشتباه علامه خویی ناشی از توجه صرف به روایت خاص این باب است که محقق حلی آن را تا عبارت «نعم» امام (ع) آورده است. اما دلیل آنکه محقق حلی ابتدا به ذکر روایات عامه می‌پردازد و سپس روایت خاص را به عنوان تأیید می‌آورد، پاسخ به کسانی است که می‌گویند «چون تأمین مخارج میهمان واجب نیست، زکات فطره او نیز واجب نیست»؛^{۱۰} بنابراین محقق حلی با استناد به روایات عامه که ضیف را در زمره عیال می‌داند و روایت خاص که پرداخت زکات فطره میهمان را تأیید می‌کند، مدعای خود را تقویت کرده است. بر این اساس محقق در بیان

روایت خاص به عنوان مؤید خویش، تنها تا تصدیق حضرت (ع) به «نعم» بسنده کرده است و این هیچ ربطی به اینکه «ضیف» را موردی مستقل بدانند، نداشته است. همچنین ظهور کلام محقق حلی می‌رساند که قائل به زمان دار بودن حضور میهمان نیست و صرف حضور میهمان را در هنگام هلال شوال نزد میزبان کافی می‌داند (محقق حلی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۶۰۳ - ۶۰۴).

با این همه، بخش‌هایی از کلام محقق حلی جای بررسی و تأمل بیشتری دارد؛ مانند آنچه در عنوان این مسئله قید کرده است. ۱۲ اما پرداختن به این موضوع فراتر از حوصله این مقاله است و نیازمند فرصت مستقلی می‌باشد.

تحلیل دوم: علامه خویی در نقد قائلان به احتمال اول معتقد است که برخلاف آنچه مطرح شده است، هم لحاظ استظهار کلامی و هم از نظر قواعد زبانی عرب، جمله‌ای که پس از «نعم» آمده، مستأنف نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد جمله دوم دنباله و مبین پاسخ ابتدایی معصوم (ع) باشد. به عبارت دیگر، جمله دوم حکم تعلیل برای کلمه «نعم» را دارد؛ در نتیجه اطلاق اصطلاح «عیال» بر میهمان به جا و صحیح است (خویی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲۴، ص ۳۹۴ - ۳۹۵).

۳-۴. نتیجه‌گیری از بحث تعارض

با توجه به تحلیل تفاسیر فقیهان دربارهٔ اجماع و روایت، به نظر می‌رسد اولاً اختلاف اساسی و قابل توجهی میان مفاد دلیل اجماع و روایت وجود دارد. بررسی جداگانه هر یک از ادله و تفسیرهای فقیهان نشان می‌دهد که دلیل اجماع از حیث اعتبار اشکالاتی جدی دارد؛ به همین دلیل به طور کلی از حجیت ساقط است؛ از این رو بیش از آنکه دلیل مستقل و قطعی باشد، می‌تواند به مثابهٔ مؤیدی در کنار سایر ادله استفاده شود. دیگر اینکه بررسی

روایت و تحلیل‌های مختلف درباره آن نشان می‌دهد تنها تحلیل دوم از نظر ادبی و فقهی پذیرفتنی است؛ به این معنا که میهمان نه فردی مستقل، بلکه به ملاک تشخیص عرفی، به مثابه فردی از دایره عیال و نان‌خور به شمار می‌آید.

نتیجه

در بررسی تطبیقی حکم زکات فطره میهمان در فقه امامیه و اهل سنت، ادله موجود نشان می‌دهد که وجوب پرداخت زکات فطره میهمان بر عهده میزبان است؛ به شرط آنکه میهمان از نظر عرفی نان‌خور و مصداق عیال محسوب شود و در هنگام رؤیت هلال ماه شوال نزد میزبان حضور داشته باشد. روایت خاص حسن بن محبوب که با سندی معتبر نقل شده است، اساس این استدلال به شمار می‌رود و عنوان «ضیف» را به صورت مستقل نمی‌پذیرد، بلکه آن را ذیل مفهوم عیال قرار می‌دهد؛ همچنین روایات عموم این باب مؤید این نظر هستند. بنابراین حکم این مسئله جنبه تعبدی دارد و تشخیص مصداق آن، یعنی تعیین عیال و نان‌خور بودن بر عهده عرف است. همچنین مشهور فقها تمکن مالی میزبان را از شروط پرداخت زکات فطره میهمان به شمار می‌آورند. اگرچه اصل وجوب زکات فطره برای میهمان میان فقهای امامیه اتفاقی است، دلایلی که معمولاً به عنوان اثبات‌کننده این حکم، از جمله اجماع و طریق احتیاط و شرط زمانی مطرح شده‌اند، از حیث اعتبار قابل نقض و نقادی هستند؛ از این رو حجیتی ندارند.

در مقابل، در میان مذاهب اربعه اهل سنت، زکات فطره به واجب النفقه اختصاص یافته است و میهمان خارج از دایره وجوب این فریضه شناخته می‌شود. منابع اهل سنت روایتی خاص در این باره ندارند و تنها در مذهب حنابله به صورت گذرا به عدم وجوب زکات فطره برای میهمان اشاره شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل ۱۶: ۸۹).
 ۲. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء ۱۷: ۹).
 ۳. «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» (مريم ۱۹: ۱۹).
 ۴. «قَالَ أَفَتُلْتَفِتَانِ فَمَا رَكَبَتِ» (كهف ۱۸: ۷۴).
 ۵. از جمله آیات: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (نور ۲۴: ۵۶)؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره ۲: ۲۷۷)؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (نساء ۴: ۷۷)؛ «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه ۹: ۶).
 ۶. گفتنی است که کتاب‌های الخلاف از شیخ طوسی و الإنتصار از سید مرتضی علم الهدی با رویکرد تطبیقی و فقه مقارن تدوین و تألیف شده است.
 ۷. تقریر درس خارج فقه «کتاب الصلاة»، محمدتقی شهیدی، ۱۹ دی ماه ۱۴۰۰، www.eshia.ir
 ۸. ثابت شد که این اجماع در نزد سید مرتضی، همان اجماع دخولی است.
 ۹. مثل ان یضم أجنبیا، أو یتیمًا، أو ضیفًا ویهل الهلال وهو فی عیلتہ، وعلیه اتفاق علمائنا، و به قال اکثر أصحاب أحمد بن حنبل. و طبق الجمهور علی خلافه، لأن مثونته لیست واجبة فلا یلزمه فطرته کما لو لم یعلمه.
- لنا قوله عليه السلام «أدوا صدقة الفطر عمن تمونون»، و ما روي عن أهل البيت عليه السلام في روايات منها رواية عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «كل من ضممت الى عيالك من حر و عبد فعليك أن تؤدي الفطرة عنه» و ما روي عنه عليه السلام عن أبيه قال: «صدقة الفطرة على كل صغير و كبير حر أو عبد عن كل من يعول». و قوله مثونته غير لازمة فكان كما لو لم يعلمه، قلنا لا نسلم التساوي و لم لا يكتفي بالمؤنة لازمة كانت أو غير لازمة عملا بإطلاق اللفظ، و يؤيد ذلك ما رواه عمر بن يزيد عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الرجل يكون عنده الضيف من اخوانه فيحضر يوم الفطر فيؤدي عنه الفطرة قال: نعم (محقق حلی، ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۶۰۳).

۱۰. لأن مؤنثه ليست واجبة فلا يلزمه فطرته كما لو لم يعلمه» (محقق حلی، ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۶۰۳).
۱۱. ثمَّ اختلف الأصحاب فشرط بعضهم في الضيافة الشهر كله، وشرط آخرون ضيافة العشر الأواخر، واقتصر آخرون على آخر جزء من الشهر بحيث يهل الهلال وهو في ضيافته، وهذا هو الأولى لقوله عليه السلام «ممن تمونون» وهو يقتضي الحال والاستقبال، وتنزيله على الحال أولى، لأنه وقت الوجوب، والحكم المعلق على الوصف يتحقق عند حصوله لا مع مضيئه ولا مع توقعه (محقق حلی، ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۶۰۳).
۱۲. «مسئلة: المتبرع بالعيولة تلزمه الفطرة» (محقق حلی، ۱۴۰۷هـ، ج ۲، ص ۶۰۳).

کتاب نامه

قرآن کریم

ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ هـ). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

ابن ارسلان شافعی، شهاب الدین ابوالعباس احمد بن حسین. [بی تا]. الزبد فی الفقه الشافعی. بیروت: دارالمعرفة.

ابن اسحاق بن بشیر الازدی السجستانی، ابوداوود سلیمان بن الاشعث. (۱۴۲۰ هـ). مسائل الامام احمد روايه ابی داوود سجستانی. تحقیق: ابی معاذ طارق بن عوض الله بن محمد. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.

ابن الحاحب الکردی المالکی، عثمان بن عمر. (۱۴۲۱ هـ). جامع الامهات. محقق: ابو عبدالرحمان الاخضر الاخضرى. سوريه: داراليمامة للطباعة والنشر والتوزيع.

ابن الحسين السمنقانی الحنفی، حسین بن محمد. (۱۴۴۱ هـ). خزانه المفتين - قسم العبادات. دراسه و تحقيق: فهد بن عبدالله بن عبدالله القحطانی. السعودية: جامعة الملك خالد.

ابن بابويه، علی بن حسین. (۱۴۰۶ هـ). فقه الرضا. مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا (ع).

ابن براج، عبدالعزيز بن نحیر. (١٤٠٦ هـ). المهدب. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.

ابن جزى الكلبي الغزنائي، ابوالقاسم محمد بن احمد. (١٤٢٧ هـ). القوانين الفقهية. بيروت: دارالكتب العلمية.
ابن حبيب البصري الشهير بالماوردي، ابوالحسن علي بن محمد. (١٤١٩ هـ). الحاوي الكبير. محقق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل احمد عبدالموجود. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن حسن الشيباني، ابو عبدالله محمد. (١٤٠٣ هـ). الحجة على اهل المدينة. تحقيق: سيد مهدي حسن الكيلاني القادري. بيروت: عالم الكتب.

ابن حمزه، محمد بن علي. (١٤٠٨ هـ). الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).

ابن زهرو، حمزه بن علي. (١٤١٧ هـ). غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع. قم: مؤسسة الامام الصادق (ع).
ابن سالم العمراني الشافعي، ابوالحسين يحيى بن ابي الخير. (١٤٢١ هـ). البيان في مذهب الامام الشافعي. محقق: قاسم محمد النوري. عربستان: دارالمنهاج.

ابن عبدالله الخرقى، ابوالقاسم عمر بن الحسين. (١٤١٣ هـ). مختصر الخرقى. مصر: دارالصحابة للتراث.
ابن عمر زمخشري، جارا الله ابوالقاسم محمود. (١٤٠٧ هـ). رؤوس المسائل الزمخشري. بيروت: دارالبشائر الاسلاميه.

ابن قدامة، عبدالله بن احمد. (١٤١٤ هـ). الكافي في فقه الإمام احمد بن حنبل. ج ١. بيروت: دارالكتب العلمية.
ابن قدامة مقدسى، شمس الدين ابوالفرج. (١٤١٥ هـ). الشرح الكبير على المقنع. تحقيق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي. قاهره: هجر للطباعة و النشر و التوزيع و الاعلان.

ابن محمد بغدادى حنفى، ابوالحسين القدورى. (١٤٤٣ هـ). شرح مختصر الكرخى. محقق: عبدالله نذير احمد عبدالرحمن. كويت: داراسفار.

ابن محمد غزالى طوسى، ابوحامد. (١٤١٧ هـ). الوسيط فى المذهب. محقق: احمد محمود ابراهيم و محمد محمد تامر. قاهره: دارالسلام.

ابن مفلح، شمس الدین. (۱۴۲۴ هـ). الفروع و تصحیح الفروع. مصحح: علی بن سلیمان المرادوی. ج ۴. بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن نصر ثعلبی البغدادی المالکی، ابومحمد عبد الوهاب بن علی. (۱۴۲۵ هـ). التلقین فی الفقه المالکی. محقق: ابی اویس محمد بو خبزه الحسن التطوانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابوعبدالله المواق المالکی، محمد بن یوسف الغرناطی. (۱۴۱۶ هـ). التاج و الاکیل لمختصر خلیل. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابوعقوب المروزی المعروف بالكوسج، اسحاق بن منصور بن بهرام. (۱۴۲۵ هـ). مسائل الامام احمد واسحاق بن راهویه. مدینه منوره: عماده البحث العلمی الجامعه الاسلامیه بالمدينه المنوره.
ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ هـ). تهذیب اللغة. ج ۳. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
اسکافی، ابن جنید. (۱۴۱۶ هـ). مجموعه فتاوی ابن الجنید. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية قم.
اصفهانى، سيد ابوالحسن. (۱۳۹۳ هـ). وسیلة النجاة. محشی: محمدرضا گلپایگانی. ج ۱. قم: نشر مهر استوار.
بروجردی، سید حسین. (۱۴۲۲ هـ). توضیح المسائل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ هـ). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية. ج ۵. بیروت: دارالعلم للملایین.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ هـ). وسائل الشیعة. ج ۹. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
حلبی، ابوالصلاح. (۱۴۰۳ هـ)، الکافی فی الفقه. اصفهان: مكتبة الإمام اميرالمؤمنين (ع).
حلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵ هـ). الجامع للشرایع. قم: مؤسسه سید الشهداء (ع).
خمینی، سیدروح الله. (۱۳۹۲ هـ. ش). تحریر الوسيلة. ج ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی قدس سره.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ هـ). موسوعة الإمام الخوئي. ج ۲۴. قم: مؤسسة احیاء آثار الإمام الخوئي.
زرقانی، محمد بن عبدالباقی. (۱۴۲۴ هـ). شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك. ج ۲. قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.

سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ هـ). المبسوط. ج ۳. بیروت: دارالمعرفة.
سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزيز. (۱۴۰۴ هـ). المراسم فی فقه الامامی. محقق: محمود بستانی. قم:
منشورات الحرمین.

سمرقندی، علاءالدین محمد. (۱۴۰۵ هـ). تحفة الفقهاء. ج ۱. بیروت: [بی نا].
سیوطی، جلال الدین. (۱۳۸۹ هـ). تنویر الحوالمک شرح موطأ مالک. ج ۱. قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۰ هـ). موسوعه الشهد الأول. ج ۱. قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی
الحوزة العلمية.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. [بی نا]. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية. ج ۱. [بی جا]: [بی نا].
شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۵ هـ). المقنع. قم: مؤسسة الإمام الهادی (ع).
شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۸ هـ). الهدایة فی الأصول و الفروع. ج ۲. قم: مؤسسة الإمام الهادی
علیه السلام.

شیرازی، ابواسحاق. (۱۴۰۳ هـ). التنبيه فی الفقه الشافعی. بیروت: عالم الكتب.
طریحی نجفی، فخرالدین. (۱۳۷۵ هـ.ش). مجمع البحرین. ج ۱. چ ۳. تهران: مرتضوی.
طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ هـ). تهذیب الأحکام. ج ۱. چ ۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ هـ.ش). المبسوط فی فقه الإمامیه. محقق: محمدباقر بهبودی. ج ۱.
تهران: مکتبة المرتضویه.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ هـ). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دارالکتب العربی.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ هـ). الخلاف. ج ۲. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ هـ). مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة. ج ۳. قم: دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزة علمیه قم.

علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ هـ). تذکرة الفقهاء. ج ۵. قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
علم الهدی، علی بن حسین. (۱۴۰۵ هـ). رسائل الشریف المرتضی. قم: دارالکتب العلمیه القرآن الکریم.

علم الهدی، علی بن حسین. (۱۴۱۵ هـ). الانتصار. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
علم الهدی، علی بن حسین. (۱۴۱۷ هـ). مسائل الناصریات. تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الاسلامیة،
مدیرية الترجمة و النشر.

عمانی، حسن. (۱۴۰۶ هـ). رسالتان مجموعتان من فتاوی العلمین، علی بن الحسین بن بابویه القمی و
الحسن بن علی بن ابی عقیل العماني. قم: نشر اخلاص.
فخر المحققین، محمد بن حسن. (۱۳۷۰ هـ.ش). الرسالة الفخریة فی معرفة النیة. مشهد مقدس: آستانة
الرضویة المقدسة.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ هـ). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. ج ۱. قم: مؤسسه
دارالهجرة.

قلیوبی، احمد؛ و احمد البرلسی عمیره. (۱۴۱۵ هـ). حاشیتا قلیوبی و عمیره. بیروت: دارالفکر.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ هـ). الکافی. ج ۷. قم: دارالحديث.
مالک بن انس، ابو عبدالله. (۱۴۰۶ هـ). الموطأ. ج ۱. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
مامقانی، عبدالله. (۱۴۳۱ هـ). تنقیح المقال فی علم الرجال. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۳۷۶ هـ.ش). المختصر النافع فی فقه الإمامیة. ج ۱. قم: مطبوعات
دینی.

محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ هـ). المعتبر فی شرح المختصر. ج ۲. قم: مؤسسة سید الشهدا (ع).
مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ هـ). المقنعة. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۳۶۴ هـ.ش). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد. ج ۴. قم:
جماعة المدرسين في الحوزة العلمية قم.

موسوی الخوئی، السید ابوالقاسم. [بی تا]. معجم رجال الحديث. [بی جا]: مؤسسه الخوئی الإسلامية.
مؤمن الجزایری، المختار بن العربی. (۱۴۳۹ هـ). مسالك الجلالة فی اختصار المناهل الزلّاله (فی شرح و
ادله الرساله لابن ابی زید القيروانی). بیروت: دار ابن حزم.

نجاح الحلبي، الحاجة. [بی تا]. فقه العبادات على المذهب الحنفي. [بی جا]: [بی نا].
نجفی، محمدحسن بن باقر. [بی تا]. جواهر الکلام. ج ۱۵. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
نووی، یحیی بن شرف. [بی تا]. المجموع شرح المذهب؛ مع تکملة السبکی والمطیعی. ج ۶. بیروت:
دارالفکر.

وحده البحث العلمی باده الافشاء. (۱۴۴۵ هـ). التسهیل فی فقه الامام احمد. کویت: ادارة الافتاء بوزارة
الاقواف و الشئون الاسلامیه بدوله الكويت.

یزدی، محمدکاظم. (۱۴۰۹ هـ). العروة الوثقی. ج ۲. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.